



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان  
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف  
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲-۰۲۲-۸۸۸۸۰۷۱۹-۰۹، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف  
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۰۲۲-۸۸۸۱۴۳۳-۰۹، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف  
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵  
چاپ: نشر روز تاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶  
www.sharghnewspaper.ir

تهران : آذان ظهر ۱۲:۰۴ آذان مغرب ۱۷:۳۵ آذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۳

#### پرسش از فرهنگ

### «فرهنگ» جانوران

#### ناصر فکوهی

■ پس از کارل فون فریش (۱۸۸۶-۱۹۸۲) و لورنتس (۱۹۰۳-۱۹۸۹)، کردارشناسان جانوری اثریشی و هر دو برنده جایزه نوبل فیزیولوژی در ۱۹۷۳، که آثار مهم آنها از سال‌های پیش از جنگ تا دهه ۱۹۷۰ درباره مفاهیمی چون منشاهای طبیعی زبان و خشونت منتشر شده بودند و تا امروز مورد استناد قرار می‌گیرند، رشته کردارشناسی جانوری (ethology) که گاه به تنهایی کردارشناسی نامیده می‌شود، به یکی از مهم‌ترین رشته‌های علمی تبدیل شد که نتایج حاصل از آن امروز نه فقط در حوزه تخصصی این رشته بلکه به‌ویژه در زمینه مطالعات انسان‌شناسی، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در این‌ زمینه، ما حتی شاهد پدید آمدن شاخه جدیدی در انسان‌شناسی فرهنگی نیز بوده‌ایم که انسان – جانورشناسی نام گرفته است (zooanthropology). یکی از ایران‌شناسان پیشکسوت یعنی ژان پیر دیکار در سال ۱۹۹۰، کتاب «انسان و حیوان» خود را در این حوزه یعنی روابطی که انسان‌ها را با جانوران پیوند می‌دهد و چگونگی تأثیرگذاری این دو بر یکدیگر در کنار آثار دیگری در همین زمینه منتشر کرد که به فارسی نیز (توسط اصغر کریمی) ترجمه و منتشر شده است.

از این رو، مبحث شناخت رفتارهای جانوری و استفاده از دانش مردمی و علمی در این زمینه برای شناخت انسان‌ها، رویکردی جدید به حساب نمی‌آید. اما بر خلاف گروهی از نوشته‌های کلاسیک که دست به تشبیه میان انسان‌ها و حیوانات می‌زدند تا عمدتاً برخی از نظرات سلسله مراتبی و کنش‌های ناشی از آنها به‌ویژه برده‌داری، را توجیه کنند و ردیای آنها را می‌توان در تفکر اجتماعی کلاسیک از ارسطو تا ابن خلدون و نظر به‌های زیادگرایانه و پیهودستیزانه قرن بیستمی (نظیر آرای دو گوبینو، دولاپوز و جرمپلرین) دنبال کرد. کردارشناسی جانوری امروز به رشته‌ای پویا و پربار بدل شده که یکی از مهم‌ترین نمایندگان آن دانشمند فرانسوی فرانس دو وال (متولد ۱۹۴۸) و استاد دانشگاه اموری در آتانتسلاست. وال که ده‌ها سال پیشینه کار از نزدیک بر جانوران را دارد، درباره فرهنگ حیوانی در گفت‌وگویی می‌گوید: «هر وقت دانسته‌ها به صورت اجتماعی منتقل شوند، ما می‌توانیم هم از «فرهنگ انسانی» و هم از «فرهنگ جانوری» صحبت کنیم» (گفت‌وگوهایی درباره انسان و فرهنگ). از این رو امروز سخن گفتن از مفهوم «فرهنگ» در مورد جانوران رویکردی نیست که شگفتی زیادی را ایجاد کند.

بنابراین هرچند گروهی از کردارشناسان راهی به نادرست را پیش گرفتند و با شکست روبه‌رو شدند، یعنی نتوانستند به هیچ عنوان زبان انسانی را به جانوران حتی بسیار نزدیک به انسان (نظیر شمیم‌بازها) بیاویزند و در نهایت آنها را وادار به خاطر سپردن گروهی از واکنش‌ها در برابر برخی از انگیزش‌های بیرونی به صورت خودکار کردند. کردارشناسی مدرن، توانست با مطالعات میدانی و مشاهدات آزمایشگاهی نشان دهد برخی از رفتارهایی که تا همین اواخر صرفاً در حوزه «سناسی بودن انسان» دسته‌بندی می‌شدند در میان جانوران وجود دارد. از مهم‌ترین این تجربیات باید به چندین حوزه از جمله زبان، فناوری، اقتصادو خوشبختی‌اندی عواطف اشاره کرد.

هرچند فون فریش و کنراد لایب امر از نشان داده بودند، اما مطالعات بعدی به روشنی ثابت کردند که در میان جانوران ما با زبان، لاق در مفهوم ارتباطی آن روبه‌رو هستیم: جانوران پیام‌های را ولو بسیار محدود در زمینه‌هایی چون منابع غذایی، خطر و جفت‌گیری به یکدیگر منتقل می‌کنند و راه انتقال این پیام‌ها می‌تواند حتی نملاین باشد («رقی») زنبورهای مصل) اما اشکال صوتی نیز در میان مستندارن پیشرفته (میمون‌ها، بال‌ها) با تشعشع نور (کرم‌های شنباب) دیده می‌شود. بنابراین در مجموع سخن گفتن از چیزی با عنوان «فرهنگ جانوری» امروز به هیچ عنوان به دور از منطق نیست و هم از این رو امروز دفاع از «حقوق جانوران» نیز از مباحث مطرح در حوزه حقوقی است.

با توجه به آنچه گفته شد، نیاز به تاملاتی جدی در حوزه‌هایی چون اخلاق‌زستی، رابطه برون‌گرونی‌ای (یعنی رابطه انسان با سایر گونه‌های دیگر) و نتیجه‌گیری‌های جدید در زمینه‌های نظری در جمله در مکانی‌یِ چون ساختارگرایی و نظریه‌های نمایان‌ج‌دی به نظر می‌رسد. اخلاق‌زیستی (bioethics)، در این میان جایگاهی ویژه دارد. شاید به همین دلیل نیز امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز به تأمل بر مفهوم «فرهنگ جانوری» وجود داشته باشد، تا نباید بتوان شرایط زیست‌اخلاقی، ذهنی و خلق‌انسان در ایجاد زیباشناسانه و فکری آن را به گونه‌ای که «هست» یعنی در جهان‌شناختی و زبان‌شناختی خود انسان استوار کرده و به رابطی معقول و پایدار با سایر موجودات و با کل طبیعت رسید و برعکس توهم قدرت فیزیکی مبتنی بر ابزار گونگی اندیشه را که رویکردی خودپروانگر است، به کنار گذاشت.

## شرق

## کافه نظر

**جهان اگر زیباست، مجیز حضور «تو» را می‌گوید**
پوریا سوری: پلک‌ها سه دسته بودند. گروه اول بر هم آمده بودند و خواب ناز می‌دیدند، گروهی تازه بیدار شده بودند و در گرگ و میش سحرگاهی آمده کار روزانه می‌شدند. اما گروهی هم بودند که تا خود سپیده سحر پلک بر هم نگذاشته، حال‌شان از این قرار بود: گروهی گوش بر رادیوها، گروهی سرگردان در صفحات مجازی سایت‌های اینترنتی و گروه از ما بهتریانی چشم دوخته به صفحه تلویزیون؛ منتظر اتفاقی بزرگ بودند.

هر اتفاقی در راه بود بدون شک پیمایی با خود داشت؛ چه آنکه چراغ‌های نیمه روشن خانه‌های شهر گواه آن بود که هنر در کشورمان هنوز امید مردمانی «صلح‌طلب و دوست‌داشتنی» است. مردمانی که دلخوش کرده بودند در دمدام برآمدن روز از آسمان شب، خورشیدی صید کنند… و فریاد شوق و اشک و خنده‌ای که بامداد دوشنبه (به وقت تهران) دل ایرانیان سراسر دنیا را شاد کرد، همان خورشید پر فروغی بود که در گودی دستان «صغر فرهادی» طلوع کرد. صغر فرهادی با فیلم تحسین‌برانگیز «جدایی نادر از سیمین» بزرگ‌ترین افتخار سینمای ایران را در عرصه‌های بین‌المللی رقم زد و جایزه «گلدن گلوب» برای بهترین فیلم خارجی را از آن خود کرد. به نظر شما تأثیر موفقیت جهانی فرهادی با فیلم آخرش بر عرصه کلی هنر ایران در آینده نزدیک چیست؟ و حرف‌تان با او پس از قرار گرفتن بر این قله از کدام دامنه آغاز می‌شود.

**داوود رشیدی:**◀ بازیگر و کارگردان
این اتفاق فوق‌العاده است. این فیلم لایق بیشتر از اینهاست. مطمئناً جایزه‌های دیگری هم، قطاروار در راهند. امیدواری ما این است که «اسکار» نصیب این فیلم شود و سربلندی‌های بیشتری را بر هم می‌آورد و هم برای «صغر فرهادی» رقم بزند. این جایزه بر اصغر فرهادی مبارک! همگی منتظر اسکاریم که کمترین حق این فیلم است.

**جواد مجابی:**◀ شاعر و نویسنده
شکی نیست که این یک جایزه مهم برای سینمای ماست اما آنچه در درجه اول مهم است خود فیلم است که توانسته از مرز دریافت این همه جایزه عبور کند. این اتفاق نشانگر ذات استواری است که سبب می‌شود تا این فیلم به عنوان یک «سینمای برتر» مورد تحسین قرار بگیرد. تلاش فرهادی راه تازه‌ای را برای سینماگران جوان ما باز کرده. این بار جایزه‌ها نیستند که اعتباری به این فیلم می‌دهند بلکه کار او به قدری درخشان است و سنجیده که لایق مسلم این جوایز است اگر چه پیام نهایی فیلم اندکی تلخ و تیره است اما به هر حال گریزی نیست که این فیلم به نوعی به بهترین نحو ممکن روبه‌رو شده. فکر می‌کنم فرهنگ ایران، یکپارچه به هم تنیده شده و شعر، سینما و موسیقی و همه شاخه‌های هنر نهایتاً با هم مرتبطند و امیدوارم در حالی که هنر مدرن ما دوران بلوغ خودش را طی می‌کند، سایر اجزای فرهنگ ما نظیر «تقاشی» «شعر» و… نیز بتوانند چنین افتخاراتی کسب کنند. از اصغر فرهادی ممنونم و تشکر می‌کنم از نسلی که با آگاهی و دقت به پدیده‌های اجتماعی می‌نگرد و با هنر خودش به بهترین نحو آنها را بازتاب می‌دهد.

**محمدعلی سپانلو:**◀ شاعر
معرفی سینمای ایران به واسطه این فیلم به نوعی معرفی «فرهنگ ایرانی» در عرصه جهانی است. به تصور من، نباید چندان دل به جوایز داد و نهایتاً باید به ذات ارزشمند «هنر» فکر کرد. این موفقیت در دو جنبه ارزشمند است اول اینکه به نوعی «فرهنگ ایران» را در عرصه بین‌المللی به نمایش می‌گذارد و بعد هم اینکه قطعاً انگیزه بزرگی برای جوانان هنرمند ایجاد می‌کند. بسیار خرسند از این اتفاق چرا که سال‌ها پیش «سوزان سلاتاک» در جشنواره‌ای ادبی در نیویورک به من گفت: «من اصلاً ادبیات شما را نمی‌شناسم اما از آنجایی که سینمای شما خوب است، شک ندارم که ادبیات‌تان هم خوب است.» خوشحالم که چنین فیلمی هم‌اکنون نماینده ما در دنیاست. خوشحالم که جوان‌ترها بیشتر خواهند کوشید و امیدوارانه‌تر دو آخر باز هم تأکید می‌کنم که حفظ «اصالت هنر» را بر همه این جوایز باید مقدم بدانیم.

**شهلا لاهیجی:**◀ ناشر
من تماشاگر حرفه‌ای سینما نیستم و سینما را به عنوان یک تماشاگر می‌بینم. بابت کسب این افتخار خوشحالم. اما بد نیست به خاطر بیاوریم که چه فیلم‌هایی ساخته شدند و اجازه اکران پیدا نکردند. دردی که در ادبیات هم وجود دارد و حتی باعث شده بسیاری از جوایز ادبی به مرور حذف شوند. کاش در یک دآوری متصفانه، همه فیلم‌های ایرانی توانایی راهیابی به عرصه بین‌المللی را داشته باشند، تا ببینیم، امثال «جدایی نادر از سیمین» کم نداریم.امیدوارم آقای فرهادی، «اسیر جوایز» نشود و همواره به خاطر داشته باشد که هدف یک هنرمند، والا‌تر از اینهاست.به‌شخصه «درباره‌ای» را بیشتر پسندیدم، اما حالا بابت کسب این افتخارات خوشحالم و از صمیم قلب به ایشان تبریک می‌گویم.

**حمیدرضا صدر:**◀ منتقد
اعتقاد چندانی به تأثیرگذاری همگانی و عمومی این جوایز ندارم. اتفاق بسیار بزرگ و مبارکی است، اما نه برای همه سینما، بلکه برای خود اصغر فرهادی. اهمیتش به لحاظ فردی است و به نظرم ممکن نیست که یک فیلم بتواند تأثیر شگرفی بر جریان سینمایی یک کشور بگذارد. همان‌طور که پیش از این، افرادی چون عباس کیارستمی در عرصه بین‌المللی درخشیده‌اند اما نهایتاً این یک دستاورد شخصی بوده و مسیر سینما را عوض نکرد. به‌هرحال بر همه عیان است که او فیلمساز مستعدی است و امیدوارم از فرصت‌های بعدی‌اش به بهترین نحو استفاده کند و هر روز فیلم‌های بهتری بسازد.

**صابر ابر:**◀ بازیگر
اتفاق روز گذشته یک «حال خوب» برای این روزهای سینمای ماست. امیدوارم همگی هوای این «حال خوب» را داشته باشیم. باید به اصغر فرهادی بگویم که: «من حالم بهتر از این نمی‌شه» همان‌طور که در «الی» می‌گفتم: «بابا من حالم بدتر از این نمی‌شه». حالا از نه جانم می‌گویم: «بابا من حالم بهتر از این نمی‌شه!»

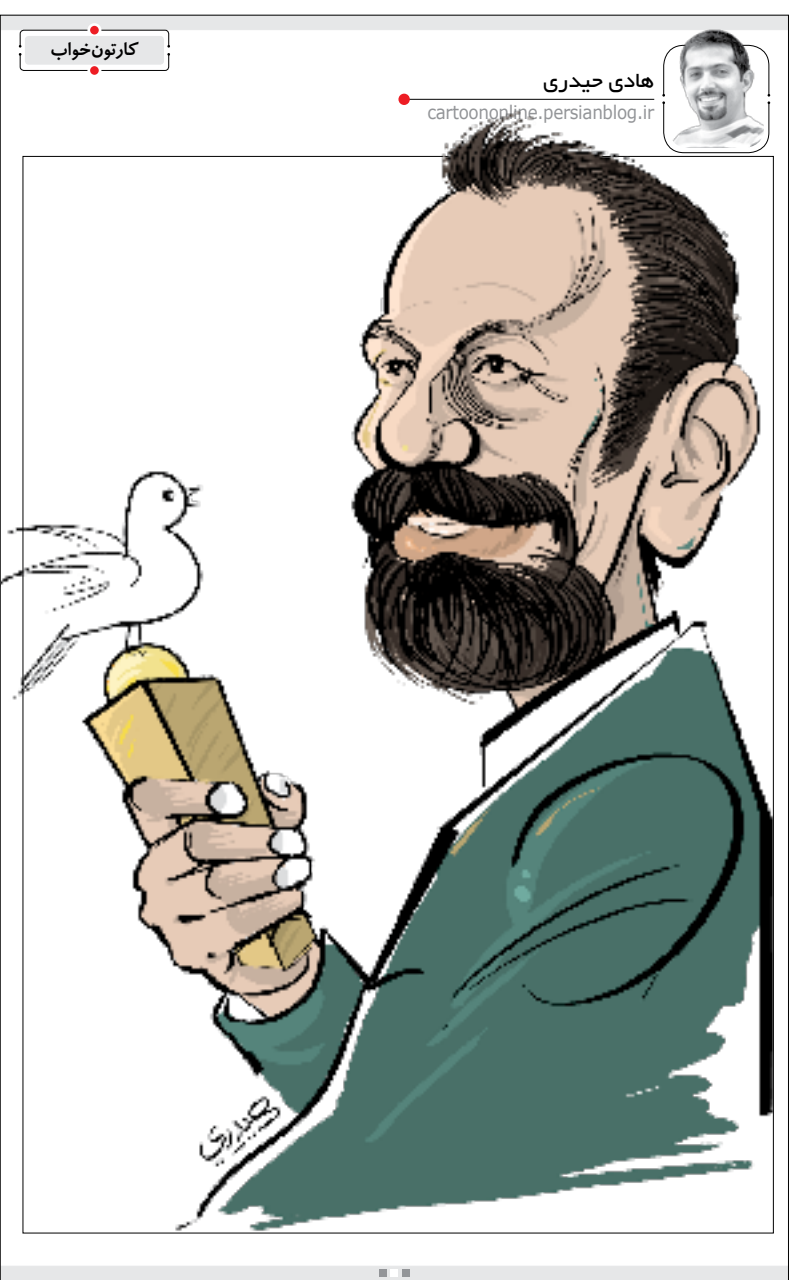
**بابک حمیدیان:**◀ بازیگر
این جایزه اِدا متعلق به سینمای ایران نیست، مبارک سینمای ایران نیست این جایزه فقط و فقط و فقط مبارک شخص «صغر فرهادی» است به خاطر جنس اندیشه مدرنش. انسان معاصر اگر مثل او نگاه بکند برنده است اما تا زمانی که پوسیده و کهنه بیندیشد تا همیشه خواهد باخت.

# روزنامه

سه‌شنبه ۲۷ دی ۱۳۹۰ - ۲۳ صفر ۱۴۳۲ - ۱۷ ژانویه ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۴۴۴ - شماره ۵۲۰ دوره جدید - ۲۰ صفحه

### محمدعلی موحد از مقالات شمس می‌گوید

دکتر محمدعلی موحد، مولوی پژوه و مصحح مقالات شمس به‌عنوان نخستین سخنران مجموعه نشست‌های گفتار ماه بنیاد شمس و مولانا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه، ۲۸ دی درباره مقالات شمس و تأثیر شمس بر مولانا سخن می‌گوید. سخنرانی دکتر موحد ساعت ۱۶ روز چهارشنبه، ۲۸ دی در مرکز آموزش موسسه فرهنگی اکو، واقع در خیابان ملاصدرا، خیابان پردیس، پلاک ۲۷ برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با تلفن ۲۲۴۱۴۸۳۰ تماس بگیرند.



◀ **فراسو**

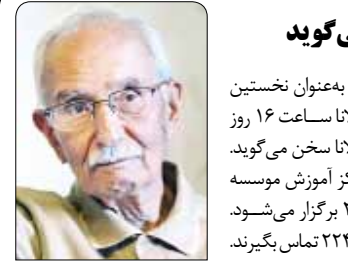
**گرگ و میش نفت**

دیگری دارد. سال ۲۰۱۲ از سوی سازمان ملل به‌عنوان «سال جهانی انرژی پایدار برای همه» اعلام شده است. این راهبرد جهانی در راستای دستیابی به هدفهای توسعه هزاره و توسعه پایدار، استراتژی تأمین انرژی مناسب برای کشورهای در حال توسعه را پیش رو دارد. راهبرد سازمان ملل دربرگیرنده تحقق تأمین انرژی مدرن برای همه است. دستیابی به انرژی ارزان، افزایش بهره‌وری انرژی و پایداری منابع در سطح محلی، ملی و بین‌المللی مورد نظر است. این سازوکار بنیادین سه هدف کریستالی و درخشان، تأمین انرژی مدرن پایدار در سطح جهانی، دوبرابر کردن نرخ بهره‌وری انرژی و دو برابر کردن سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی مورد مصرف جهانی را در برنامه خود گنجانده است. اما در روزهای آغازین سال جاری میلادی غبار آشوب نفت بر این هدف‌های بلورین نشسته است. تاریخ نفت نشانگر این است که سوداگران همیشه خواهان بستری پرتلاطم و پر آشوب بوده‌اند. اما در تندبادی که همواره می‌وزد ما باید آرام باشیم. آرامش در راستای منافع ملی ماست. آنها همواره در تکا‌پوی گرگ و میش نخستین روز نفت هستند؛ هنگامه‌ای که در آن گرگ‌ها از رمه و دوست از دشمن ناپدیداست.

◀ **رویداد**

**پیاده‌روهای شهر در قالب کاریکاتور**

عنوان هیات انتخاب آثار و همچنین کامییز درم‌بخش، محمدعلی بنی‌اسدی و داوودی‌شهیدی به عنوان اعضای هیات داوران مسابقه، آثار رسیده به دبیرخانه را داوری خواهند کرد.گفتنی‌است آثار ارسالی به دبیرخانه ۲۸ بهمن داوری شده و همچنین در نمایشگاهی در ۱۳ اسفند همزمان با برگزاری همایش بین‌المللی «زندگی پیاده در شهر» و در حاشیه همایش در معرض دید قرار می‌گیرد.علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت فرم شرکت در مسابقه به پایگاه اینترنتی [www.zibasazi.ir](http://www.zibasazi.ir) یا [www.landimag.ir](http://www.landimag.ir) مراجعه کنند.



◀ **ابوعطا**

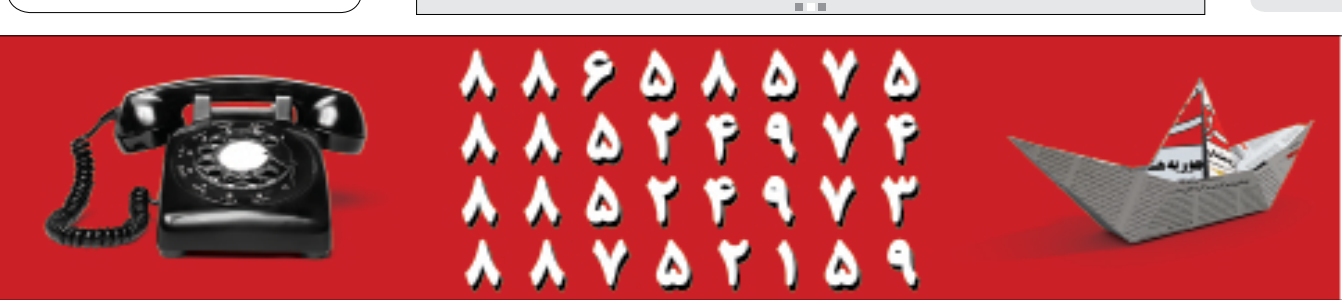
**خانه را تعریف کنید و یک نوع آن را شرح دهید**

**هادی چپردار**

■ البته بر عموم اقشار واضح و مبرهن است که خانه عبارت است از مکانی که آدمیان‌ها در آن آرام می‌گیرند و زندگی می‌گردانند. خانه آدم را از باد و باران و خار و خاشاک حفاظت می‌گرداند. خانه آفت‌در موضوع مهمی می‌باشد که بعضی‌ها که آن را ندارند، مثل خاله و شوهر‌خاله‌ها باید آن را مستأجر بگردانند و هر سال تعویض بگرداند. مادر بررسی‌های خود، ابتدا صفحات‌های یک روزنامه کم‌خطر به‌نام هم‌کشوری را ورق زدیم و فهمیدیم که خانه انواع‌انواعی زیادی دارا می‌باشد؛ مثل خانه ویلایی، خانه خوش‌نقشه، خانه مجردی، خانه فول، خانه خاله و خانه سینمایی‌ها. اما چون نفهمیدیم این آخری چیست، کار گروه و تحقیقات کارشناسی ارشد گردانیدیم و نظر هم‌شاگردی‌های خود را پرسانیدیم. اول از همه اکبرزاده که هر سال رفوزه می‌شود به ما گفت که خانه سینمایی‌ها هم لابد مثل خود سینما جایی است که ردیف است. بعد ما پرسیدیم یعنی چی. بعد او گفت که یعنی فاز می‌دهد. بعد ما پرسیدیم که یعنی چی. بعد او گفت: «بابا تو دیگر چه شغلی می‌باشی؛ یعنی آره و اینها، می‌روی ساندویچ می‌خوری و با بر و بچس می‌ترک‌نی؛ سالن هم که تاریک…» ما که نفهمیدیم او چه می‌گوید، اما فهمیدیم که خانه سینمایی‌ها باید جای خطرناکی باشد که در آن انواع جنجال‌شکنی‌ها مثل اینترنت و روزنامه‌های امپرسیالیستی و ساختارشکنی و جنجال‌شکنی اتفاق می‌افتد. این بود که ترسیدیم و به سراغ پورساحلی رفتیم، چون درست است که پورساحلی در کلاس دلقک‌بازی می‌گرداند و معلوم نیست بالاخره حرف حسابش چیست، اما حداقل فامیل‌هایش در خارج می‌باشند و کمی از مسایل روز دنیا آگاهی دارد.

پورساحلی به ما گفت: ببین، خانه سینمایی‌ها یعنی اینکه ما باید سینما را به خانه‌های مردم بیاوریم. یعنی اینکه این کسانی که در خانه سینمایی‌ها زندگی می‌کنند باید دقت کنند. مثلاً همین فرهاد اصغری که جایزه گردن‌گلوب را برد… گردن‌گلوب در خارجی یعنی حباب نفراهی. یعنی این یک حبابی بیش نمی‌باشد. اگر حباب نبود که مردم ذوق نمی‌کردند و او آن را به مردم صلح‌دوست ایران تقدیم نمی‌گردانند، بلکه به من (که تازه یک عضو کوچک این کلاس هستم)، یا به اکبرزاده تقدیم می‌گرداند. تازه کی گفته مردم ایران صلح‌دوست می‌گردانند؟ همین اکبرزاده اگر لازم باشد دست تنها همه کلاس پنجمی‌ها را الت و پار می‌کند. حالا من تازه، نمی‌خواهم به موضوعاتی مثل عشق رابطه نادر و سیمین بپردازم و ابعاد مختلف موضوع را باز کنم؛ چون اگر باز کنم، دیگه حالی به آدم می‌مونه؟ نه والا! احوالی به آدم می‌مونه نه بلا…» و بعد پورساحلی شروع کرد به شکن‌زدن و گردن انداختن و حرکات مزورن گردانیدن و اکبرزاده هم از او بدتر گردانید. خلاصه فضای خاصی بر کارگروه حاکم گردانید.

ما که از قضیه فرهاد و سیمین و نادر سر در نیآورده بودیم، بعد از کمی مزورن گردیدن در کارگروه، به سراغ کورسوی امید خود خاتم‌آبادی رفتیم که انشاهای خوبی می‌نویسد و از همه چیز خبر دارد ولی ما حرف‌های او حالی‌مان نمی‌شود. وقتی پرسیدیم نظرتان درباره گردن‌گلوب و آقای نادر و آن خانم چیست، اول حالش یک‌جور خوبی شد و چشمش برق افتاد، انگار که ایران در جام جهانی برزیل را برده باشد. بعد گفت: «این فرهاد اصغری می‌فهمد گفت‌مان چی می‌باشد و مردم‌سالادی چی می‌باشد و پیروزی اندیشه چی می‌باشد و کجا باید به چه کسانی چه چیزی بگوید؛ ای کاش کمی از او گمانه‌زنی و جستار‌گشادی فرا می‌گرفتیم مرتضی…» ما که باز گیج‌تر شده بودیم، نظر خاتم‌آبادی را دربرابر خراب کردن خانه سینمایی‌ها و حرف‌های اکبرزاده پرسیدیم. خاتم‌آبادی باز یک چیزهایی گفت که ما متوجه نشدیم، اما آن وسط‌ها عبارت‌هایی مثل نقش خوشبستن در آب همدلی، موریانه، زیرنه، نهادینه‌سازی و نهادگرایی، اریخ، قدمت تقریباً بیست‌ساله و از این جور کلمات‌ها را فهمیدیم که به نظرم‌ان همین قدرش هم برای‌مان کافی می‌باشد. ما از انشای خود نتیجه می‌گردانیم که انگاری سینمایی‌ها یک فقره خانهای داشته‌اند که در آن نقش خوشستن بوده. بعد آقای نادر با خانم سیمین حباب‌هایی ترکانیده‌اند و حالی به آدم نمانده، بنابراین باید خانه‌هایی که قدمت بیست‌ساله دارند و کلنگی می‌باشند نهادینه‌سازی گرداند و اثاث مستأجرهای آن را که ما ازشان خوش‌مان نمی‌آید بیرون رخت، چون هر خانهای بالاخره یک عمری دارد، یکی، دو سال یکی، بیست سال



# سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

# تلفنی آگهی می‌پذیرد.